

کتاب دري

برای صنف نهم

متن و تمرین

محمد یعقوب صدري

نمونه کتاب دری برای صنف نهم (متن و تمرین)

در اینجا تنها چند صفحه ای از **کتاب دری برای صنف نهم** به طور نمونه برای شما به نمایش گذاشته شده است.

این کتاب شامل آگاهی عمومی در موضوعاتی تاریخی، فرهنگی، جغرافیا، ادبی مانند اشعار، قصه ها و داستانهای تاریخی افغانستان است. معرفی اماکن باستانی، معرفی شخصیت های ملی و فرهنگی نیز شامل مضامین این کتاب میباشد. تمرینات این کتاب شامل سوالات از متن درس، ترجمه کلمات و جملات دری به زبان سویدنی و غیره است.

این کتاب مطابق پلان درسی مکاتب سویدن و با مشوره معلمین مجرب زبان مادری برای صنف نهم تهیه گردیده است که دارای ۷۶ صفحه، ۳۵ درس و ۱۷۵ تمرین میباشد. این کتاب برای یک سال درسی تهیه گردیده است.

برای تمرینات بیشتر مربوط به دروس این کتاب، به **کتاب تمرین دری برای صنف نهم** رجوع گردد. کتاب تمرین دری برای صنف نهم شامل ۷۶ صفحه و ۳۱۵ تمرین و وظیفه خانگی است.

فهرست

۵	پل مالان	درس - ۱
۷	عاشقان و عارفان	درس - ۲
۹	نتیجه ناپاکی	درس - ۳
۱۱	سفر	درس - ۴
۱۳	تپه توپ	درس - ۵
۱۵	شاه و عروس	درس - ۶
۱۷	بی بی مهرو	درس - ۷
۱۹	شهر کاشغر	درس - ۸
۲۱	اژدهای سنگی	درس - ۹
۲۳	بند قرغه	درس - ۱۰
۲۵	جشن گل بادام	درس - ۱۱
۲۷	طوطی و زاغ	درس - ۱۲
۲۹	دلده	درس - ۱۳
۳۱	قناعت	درس - ۱۴
۳۳	بزکشی	درس - ۱۵
۳۵	ولایت بلخ	درس - ۱۶
۳۷	کوچه کاه فروشی	درس - ۱۷
۳۹	دل بستگی به دارایی	درس - ۱۸
۴۱	چهل دختران	درس - ۱۹
۴۳	همسر ناسازگار	درس - ۲۰
۴۵	زیارت کارته سخی	درس - ۲۱
۴۷	آدم خان و دُرْخانی (قسمت ۱)	درس - ۲۲
۴۹	آدم خان و دُرْخانی (قسمت ۲)	درس - ۲۳
۵۱	مزار خواجه غلطان	درس - ۲۴
۵۳	سلطان احمد کبیر	درس - ۲۵
۵۵	دانشگاه کابل	درس - ۲۶
۵۷	طاق بُست	درس - ۲۷
۵۹	مسجد عبدالرحمان	درس - ۲۸
۶۱	بند امیر	درس - ۲۹
۶۳	گوهر شاد بیگم	درس - ۳۰
۶۵	چهل ستون کابل	درس - ۳۱
۶۷	طاق چهل زینه	درس - ۳۲
۶۹	سلطان محمود غزنوی	درس - ۳۳
۷۱	قابلی پلو	درس - ۳۴
۷۳	دره واخان	درس - ۳۵

عاشقان و عارفان

قبل از اینکه شهر کابل به نور اسلام منور گردد، سراسر این خاک را ابرهای تیره بی دینی و گمراهی فرا گرفته بود. بعد از ظهور دین اسلام مردان دسته دسته سر بر می آوردند و با دل روشن و ایمان پاک چون شمع به اطراف خود نور می افشاندند و مبناء فیض و رحمت جاویدان می شدند.

یکی از این بزرگان حضرت زبیر بود که از جانب حضرت تمیم و عبدالرحیم دو سردار و مجاهد بزرگ اسلام برای تبلیغ و ترویج اسلام بدین ناحیه گماشته و مامور شده بودند. حضرت زبیر با دو طفل خوردهسال خود مردانه وار با معتقدات کهنه و بی بنیاد مردم مبارزه میکرد. در آن وقت پادشاه کابل ایرج نام داشته که به دین باستان سخت پابند بود و با قوت تمام در استواری آن می کوشید.

وقتی که شهریار از حضرت زبیر و فعالیت‌های او شنود، خشم گرفت و او را به دربار خواست تا سیاست کند. حضرت زبیر به طیب خاطر و قوت قلب در برابر پادشاه قرار گرفت و از مزایای دین محمد صلی الله علیه وسلم داستانها گفت. باری شهریار از او پرسید: اگر من دو فرزند ترا در آتش سوزان اندازم آیا صاحب دین تو از آنان حمایت خواهد کرد یا خیر؟

چنانچه واقعاً معجزه نمودید من به آیین شما می گرایم. به حضرت زبیر الهام شد که تن در دهد و این شرایط را قبول کند. حضرت زبیر راضی شد تا پسران او را در آتش فروزان بیندازند. شاه چنان کرد و آن دو طفل معصوم را در آتش داری که لهیب آن چون آتش دوزخ زبانه می زد، فرو انداخت و در آن را بیست.

حضرت زبیر دست دعا به آستان الهی برداشت و از بارگاه خدای بزرگ مدد خواست، همان بود که پس از ساعتی آن دو طفل چون حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش وارستند و هریک گل نرگس در دست به سلامت برجهیدند و نجات یافتند. سپس نزدیک شاه شدند و آن دو گل زیبا را پیشکش کردند، شاه و درباریان از این امر به شگفت شدند و قرار وعده جملگی ایمان آوردند و مسلمان گشتند.

امروز زیارتی که بنام عاشقان و عارفان در پای کوه خواجه صفا، در قسمت جنوب کابل معروف است آرامگاه این دو طفل است.

کلمات مترادف

پیشکش = اهدا، ارمغان	وارست = نجات داد	آستان = درگاه	معتقدات = عقاید
لهیب = زبانه و شعله آتش	آیین = روش، مذهب	جهیدن = جُستن	باستان = قدیمی
گماشته شدن = مامور شدن	گرویدن = ایمان آوردن	منور = نورانی	معصوم = بیگناه
معجزه = عملیکه انسان از انجام دادنش عاجز باشد	بی بنیاد = بی ریشه	شگفت = عجیب	مزایا = امتیازات
	ترویج = رواج دادن	رحمت = مهربانی	طیب = پاک
			فیض = فایده
			سردار = بزرگ
			خشم = قهر
			مدد = کمک



تمرین - ۱ به سوالات زیر مطابق درس فوق جواب های صحیح ارائه نمایید.

- ۱ حضرت زبیر به کدام هدف در این ناحیه گماشته و مامور شده بود؟
- ۲ حضرت زبیر چند طفل خورد سال با خود داشت؟
- ۳ چرا شهریار بالای حضرت زبیر خشمگین شده بود؟
- ۴ شهریار از حضرت زبیر چه چیز را پرسید؟
- ۵ زیارت عاشقان و عارفان در کدام قسمت شهر کابل موقعیت دارد؟



تمرین - ۲ معنی کلمات ذیل را به زبان دری بنویسید.

فیض منور گماشته شدن ترویج آیین



تمرین - ۳ خلاصه درس فوق را در کتابچه خود به زبان سویدنی بنویسید.



تمرین - ۴ معنی کلمات ذیل را در کتابچه تان به زبان سویدنی بنویسید.

۱ خشم ۳ معصوم ۵ ترویج ۷ گماشته شدن
۲ مدد ۴ مزایا ۶ آیین ۸ فیض



تمرین - ۵ ترجمه سویدنی جملات زیر را بنویسید.

۱ حضرت زبیر برای تبلیغ و تروج دین اسلام به کابل آمده بود.

۲ شهریار از حضرت زبیر خواست تا او ثابت کند که خدای او برحق است.

۳ حضرت زبیر قناعت شهریار را حاصل نمود، که منجر به مسلمان شدن شهریار و همفکرانش گردید.

تمرینات بیشتر: برای تمرینات بیشتر مربوط به این درس به کتاب تمرین دری برای صنف نهم



مراجعه نمایید.

شهر کاشغر

سعدی حکایت میکند که در سالی که محمد خوارزمشاه بر خوارزم تا سواحل دریای عمان، فرمانروایی داشت با فرمانروایان سرزمین ختا (بخش شمالی چین و ترکمنستان شرقی) صلح کرد، در سفری به کاشغر وارد مسجد جامع کاشغر شدم، پسری موزون و زیبا را در آنجا دیدم که به خواندن علم نحو و ادبیات عربی، اشتغال دارد، او بقدری قامت و زیباروی بود که درباره همانند او گویند:

معلمت همه شوخی و دلبری آموخت جفا و عتاب و ستمگری آموخت

من آدمی به چنین شکل و خوی و قد و روش ندیده ام مگر این شیوه از پری آموخت

او کتاب نحو را در دست داشت و از آن می خواند که به او گفتم: ای پسر! سرزمین خوارزم با سرزمین ختا صلح کردند، ولی زید و عمرو، همچنان در جنگ و ستیزند. او از سختم خندید و پرسید: اهل کجا هستی؟ گفتم: از اهالی شیراز هستم. او پرسید: از گفتار سعدی چه میدانی؟ دو شعر عربی خواندم، گفت: بیشتر اشعار سعدی فارسی است، اگر از اشعار فارسی او بگویی به فهم نزدیکتر است. گفتم:

طبع تو را تا هوس نحو کرد صورت صبر از دل ما محو کرد

ای دل عشاق به دام تو صید ما به تو مشغول تو با عمرو و زید

بامداد به قصد سفر از کاشغر بیرون آمدم، به آن طلبه جوان گفته بودند که فلان کس سعدی است. او با شتاب نزد من آمد و به من مهربانی شایان کرد و تاسف خورد و گفت: چرا در این مدتی که اینجا بودی، خود را معرفی نکردی، تا با بستن کمر همت، شکرانه خدمت به بزرگان را بجا آورم. گفتم: با وجود تو، روا نباشد که من خود را معرفی کنم که: منم. گفت: چه می شد که مدتی در این سرزمین بمانی تا از حضرت استفاده کنم؟ گفتم: به حکم این حکایت نمی توانم:

بزرگی دیدم اندر کوهساری قناعت کرده از دنیا به غاری

چرا گفتم: به شهر اندر نیایی که باری، بندی از دل برگشایی

بگفت: آنجا پری رویان نغزند چو گل بسیار شد پیلان بلغزند

این بگفتم و بوسه بر سر و روی یکدیگر دادیم و وداع کردیم.

کلمات مترادف

موزون = سنجیده	محو = نابود	شتاب = عجله	ستیز = دشمنی، جنگ و جدال
قامت = قد، اندام	دام = بند، تله	کوهسار = کوهستان	لغزیدن = غزیدن، لخشیدن
شایان = شایسته	صید = شکار	برگشایی = بازکردن	اشتغال = مشغول شدن
عتاب = سرزنش			
طبع = خو، عادت			



تمرین - ۱ به سوالات زیر مطابق درس فوق جواب های صحیح ارائه نمایید.

- ۱ محمد خوارزمشاه بر کدام ناحیه ها فرمانروایی داشت؟
- ۲ شیخ سعدی در مسیر سفرش وارد کدام مسجد جامع شده بود؟
- ۳ پسر موزون و زیبا در مسجد جامع کاشغر مصروف خواندن کدام علم بود؟
- ۴ هنگام ترک کردن از کاشغر، آن پسر موزون از سعدی چه چیز را تقاضا نمود؟
- ۵ شیخ سعدی در جواب تقاضای آن پسر چه چیز گفت؟



تمرین - ۲ معنی کلمات ذیل را به زبان دری بنویسید.

عتاب موزون شایان صید ستیز



تمرین - ۳ خلاصه درس فوق را در کتابچه خود به زبان سویدنی بنویسید.



تمرین - ۴ معنی کلمات ذیل را در کتابچه تان به زبان سویدنی بنویسید.

۱ طبع	۳ شایان	۵ صید	۷ ستیز
۲ قامت	۴ محو	۶ شتاب	۸ اشتغال



تمرین - ۵ ترجمه سویدنی جملات زیر را بنویسید.

۱ شیخ سعدی در سفرش وارد مسجد جامع کاشغر شد.

۲ پسر زیبا و بزرگوار در مسجد جامع کاشغر مصروف خواندن علم نحو بود.

۳ در روزهای آخر آن پسر فهمید که آن شیخ سعدی است، او از سعدی خواست تا چند روز در آنجا بماند.



تمرینات بیشتر: برای تمرینات بیشتر مربوط به این درس به کتاب تمرین دری برای صنف نهم

مراجعه نمایید.

بند قرغه



در پنج کیلومتری شمال غربی کابل تفریحگاهی به نام بند قرغه وجود دارد. این دریاچه زیبا همه روزه و به خصوص در ایام تعطیلات مردم را به سوی خود می کشاند. علاوه بر اهالی کابل، سایر مردم شهر ها نیز برای تفریح به این مکان می آیند. این بند در زمان حکومت محمد ظاهر بر روی رودخانه پغمان ساخته شده است. این بند با ۳۰ متر

ارتفاع و ۴۵۰ متر طول مهم ترین مکان تفریحی و سیاحتی کابل می باشد. همچنین این مکان دارای امکانات رفاهی و تفریحی همچون رستوران های متعدد، قایق های گردشگری و غیره است.

این دریاچه در دره ای سرسبز میان سلسله کوه هایی کم ارتفاع واقع شده که بسیار دیدنی است. گفته میشود که این بند گنجایش جمعیت چند میلیونی کابل را ندارد، به خصوص در ایام تعطیلات که مردم به دنبال آرامش و تفریح هستند. آبی چشم نواز دریاچه، هوای دلپذیر و رایحه گل و گیاه موجود در بند قرغه می تواند خستگی روزهای کاری را از تن تفریح کنندگان به درآورد.

مردم افغانستان هر چند که سال ها در جنگ و درگیری زندگی کرده اند، اما لذت بردن از زیبایی طبیعت حسی است که در نهاد هر انسانی وجود دارد. کودکان افغانستان نیز به شدت نیازمند مکانی آرام و به دور از خشونت همچون بند قرغه و سایر مکان های تفریحی هستند. با ایجاد امکانات می توان بند قرغه را به یکی از زیباترین و لذت بخش ترین تفریحگاه های افغانستان تبدیل کرد. تجمع مردم در بند قرغه سبب ایجاد کار و اشتغال برای مردم کابل نیز شده است. رستوران ها با غذا های لذیذ مانند پلو، آشک، منتو و همچنان غذا های سر بازار مانند بولانی بادوغ، شورنخود و غیره در تجمع بند قرغه می افزاید. دستفروشان از کار و کاسبی شان با فروش بازیچه ها برای اطفال و لوازم مورد نیاز گردشگران راضی هستند.

این بند علاوه بر دریاچه ای زیبا و دیدنی، می تواند مرکز خرید و مکانی برای برگزاری جشن ها و برنامه های مناسبی باشد. همچنین می توان با احداث هتل ها و سایر امکانات گردشگری، بند قرغه را به یک قطب بزرگ گردشگری در کابل و حتی در کل افغانستان تبدیل نمود.

کلمات مترادف

سو = طرف	قطب = سمت	احداث = بنا کردن	خشونت = تند خویی
سایر = همه	ارتفاع = بلندی	نهاد = روش، طرز	رایحه = بو، بوی خوش
لذت = مزه	درگیری = جنگ	تجمع = جمع شدن	کاسبی = تجارت، داد و ستد
ایام = روزها	نیاز = ضرورت	اشتغال = شغل، کار	سیاحتی = گردشگری، توریستی
چشم نواز = جذاب		لذیذ = مزه دار	دلپذیر = پسندیده



همسر ناسازگار

شخصی از روزگار قدیم خود حکایت میکرد و میگفت که با کاروان یاران به سوی دمشق رهسپار شدیم. به خاطر موضوعی از آنها ملول و دلتنگ شدم. تنها سر به بیابان بیت المقدس نهادم و با حیوانات بیابان مانوس شدم. سرانجام در آنجا به دست فرنگیان اسیر گشتم. آنها مرا به طرابلس (یکی از شهرهای کشور سوریه کنونی) بردند و در آنجا در خندقی همراه یهودیان به کار کردن با گل گماشتند. تا اینکه روزی یکی از بزرگان عرب که با من سابقه ای داشت از آنجا گذر کرد، مرا دید و شناخت. او پرسید: ای فلان کس! چرا به اینجا آمده ای؟ این چه حال پریشانی است که در تو می نگرم؟ من جواب دادم: چه گویم که گفتنی نیست.

همی گریختم از مردمان به کوه و به دشت که از خدای نبودم به آدمی پرداخت
قیاس کن که چه حال بود در این ساعت که در طویله نامردمم بباید ساخت
پای در زنی جیر پیش دوستان به کسه با بیگانگان در بوستان

دل آن سردار عرب به حال سوخت و به من رحم کرد و ده دینار داد و مرا از اسارت فرنگیان نجات بخشید و همراه خود به شهر حلب آورد. او دخترش را به همسری من درآورد و مهریه اش را صد دینار قرار داد. پس از مدتی آن دختر بدخوی با من بنای ناسازگاری گذاشت و با رفتار ناهنجارش زندگی مرا بر هم زد.

زن بد در سرای مرد کنو هم در این عالمست دوزخ او
زینهار از قرین بد، زینهار وقنا ربنا عذاب النار

خلاصه اینکه آن زن زبان سرزنش و عیبجویی گشود و همچنان می گفت: مگر تو آن کس نیستی که پدرم تو را از فرنگیان خرید و آزاد ساخت؟ گفتم: آری. من آنم که پدرت مرا با ده دینار از فرنگیان خرید و آزاد نمود، ولی به صد دینار مهریه، گرفتار تو ساخت.

شنیدم گوسفندی را بزرگی رهانید از دهان و دست گرگی
شبانگه کارد بر حلق بمالید روان گوسفند از وی بنالید
که از چنگال گرگم در ربودی چو دیدم عاقبت، خود گرگ بودی

کلمات مترادف

مانوس = خو	گذر کردن = گذشتن	اسارت = در قید بودن	فرنگیان = از مردم فرنگ اروپایی نژاد
ربودن = دزدیدن	اسیر = گرفتار	فلان = اشاره به کسی	ناهنجار = غیر منظم، زشت
ملول = غمگین	بوستان = باغ	طویله = گاوخانه	کنو = بنگی (بنگ گیاه است که انسان با خوردنش نشه میگردد)
قرین = همسر	عالم = دنیا	سرزنش = ملامت	گماشتن = مقرر کردن

آدم خان و درخانی

قسمت ۱

در زمان امپراطور مُغل در سرزمینی خراسان در ناحیه پشتونستان، قبیله بنام یوسف زایی و مته خیل میزیستند و از قدیم با هم دوستی و خویشاوندی داشتند. در آن وقت بزرگ قوم یوسف زایی ها حسن خان بود و بزرگ قبیله مته خیل طاووس خان بود. حسن خان و طاووس خان هر دو اولاد نداشتند. روزی درویشی چند خرمایی به آنان هدیه داد و برفت، همینکه بانوان آن دو خرما را خوردند حامله شدند و پس از زمانی مقرر خداوند به حسن خان پسری عنایت کرد که نامش را آدم خان گذاشت و همچنین طاووس خان صاحب دختر زیبایی بنام دُرخانی شد.

پس از سالیانی حسن خان و طاووس خان فرزندان خود را به مسجد نزد ملا فرستادند تا علوم دینی را فرا گیرند و سواد آموزند، روزی استاد آدم خان در حل مسئله عاجر ماند، بدو گفت در قریه مته خیل در مسجد سفید ملای ورزیده است که سمت استادی بر من دارد. شما به آنجا بروید و مسئله را از او بپرسید. همینکه آدم خان به در مسجد آن قریه رسید ناگهان چشمش به دختری پری چهره افتاد که هرگز چون او ندیده بود. این دختر دُرخانی نام داشت که از مسجد به خانه می رفت، هر دو لحظه درنگ کردند، به همدیگر نگریستند و به دام عشق گرفتار شدند.

روزگار همچنان می گذشت و آدم خان شبها از عشق درخانی می سوخت، دُرخانی بسی روزها به یاد آدم خان و عشق جاودانی او گلهای وحشی را می چید و بر گردن حمایل میکرد. آدم خان سالها مشق رباب کرده بود، اما از آن روز به بعد چنان شوری در دل و جانش پدیدار شد که اهل دل از تار و رباب او ساز عشق و نغمه محبت می شنیدند.

روزی طوی بزرگی در قبیله آدم خان برپا بود. مردم بسیار در آن طوی دعوت بودند. مردم سرگرم شادی، رقص و خوردن غذا بودند. در این محفل دختری بنام توتیا چون طاووس میرقصید که همه را محو تماشای خود کرده بود. حسن خان به رفیق هایش می گفت که توتیا دختر با استعداد و زیبای است، توتیا باید عروس خانه من گردد. فردای آن روز حسن خان توتیا را برای آدم خان خواستگاری کرد، آدم خان که نمی توانست از امر پدرش سرکشی کند، ناچار به این ازدواج تحمیلی تن داد.

کلمات مترادف

نگریستن = دیدن	بانو = خانم، خاتون	درنگ = تاخیر	عاجز ماند = بی جواب ماند
شور = شوق	محو = شیفته، مدهوش	بسی = بسیاری	پدیدار شدن = نمایان شدن
حمایل کردن = آویختن	عنایت = بخشیدن	طوی = عروسی	درویش = صوفی، زاهد
ورزیده = لایق			
دام = تله، بند			

دانشگاه کابل

دانشگاه کابل بزرگترین و قدیمی ترین مؤسسه آموزش عالی در افغانستان است. این دانشگاه نزدیک به ۲۵۰۰۰ دانشجو دارد. دانشگاه کابل، به عنوان نخستین نهاد آموزش عالی در افغانستان، در سال ۱۳۱۱ خورشیدی تأسیس شد. در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی یا ۱۹۳۲ میلادی. در عصر محمد نادر نخستین پایه دانشکده کابل نهاده شد، و دانشکده طبی کابل تأسیس گردید. دانشکده مذکور در آن زمان تحت سرپرستی دو تن از متخصصین افغانستان بنام های پرفیسور دکتر محمد فیس ملکزاده و امین الله طاهری بود. در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی یا ۱۹۳۸ میلادی یعنی در عصر محمد ظاهر دانشکده حقوق و علوم سیاسی و در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی یا ۱۹۴۳ میلادی دانشکده سیانس و در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی یا ۱۹۴۴ میلادی دانشکده ادبیات تأسیس گردید. وجود این دانشکده ها سبب شد که دولت افغانستان قدم بزرگ تری بردارد و بنیاد دانشکده کابل را بگذارد. بدین قرار، در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی یا ۱۹۴۶ میلادی محفل بزرگی برای تأسیس دانشکده کابل منعقد شد.

دانشگاه کابل دارای پانزده دانشکده می باشد، کابل بستر خوب فعالیت های سیاسی برای احزاب سیاسی بوده و همیشه مورد استفاده سوء قرار گرفته است. روی این ملحوظ، دانشگاه کابل در تغییر حکومت های پیشین نقش مهمی داشته است.

استادان دانشگاه کابل از استادان کهن سال و استادان جوان تشکیل شده است. استادان کهن سال بیشتر با جزوه های کهنه آراسته بوده در حالی که استادان جوان بیشتر آرزو دارند تا خلای بزرگی که بین فناوری جدید و سیستم کهنه و فرسوده گذشته وجود دارد از بین برده شود. قابل یادآوریست که دانشگاه کابل در دو بخش روزانه و شبانه به تدریس می پردازد. این دانشگاه بر طبق اصول نامه ای که دارد، دارای دانشکده های علوم ساینس، روانشناسی، زبان و ادبیات، حقوق و علوم سیاسی، داروسازی (فارمسی)، شرعیات، انجینیری، اقتصاد، علوم اجتماعی، زراعت، وترنری، زمین شناسی، هنرهای زیبا، علوم کامپیوتر، حفظ محیط زیست می باشد. علاوه بر این دانشکده ها، مؤسسات فرهنگی و مسلکی در دایره دانشگاه کابل موجود است که عبارتند از دارالمعلمین عالی، مدارس صنایع نفیسه، دارالعلوم عربیه. در پهلو دانشگاه کابل دانشگاه های خصوصی نیز موجود می باشد.

شرعیات = علوم دینی اسلامی

وترنری = داکتر حیوانات

تأسیس = نهاده، اساس

جزوه = کتابچه، یک دسته کاغذ، نوت

اصول نامه = مقررات، قوانین

عصر = وقت، زمان

منعقد = برپا، دایر کردن

ملحوظ = ملاحظه شده

فناوری = تکنولوژی

مذکور = ذکر شده

تحت = زیر

بنیاد = اساس

مؤسسه = نهاد

کلمات مترادف

خلا = خالیگاه

فرسوده = کهنه

مسلک = حرفه

گوهر شاد بیگم



گوهرشاد بیگم یکی از بانوان نمونه در تاریخ افغانستان است که تمام عمر خود را صرف علم و خرد، و فرهنگ و هنر نموده است. گوهرشاد بیگم دختر امیر غیاث الدین، سردار قبیله ترخانیان و خانم میرزا شاهرخ فرزند علم دوست امیر تیمور گورگانی بود. او زنی بسیار نیکوکار، ثروتمند، ادب دوست،

هنرپرور، باوقار، خردمند، بااحتیاط و باسیاست بود که به مدت ۴۳ سال بر مناطق وسیعی خراسان حکمرانی کرد. او در سال ۱۴۰۵ میلادی پایتخت تیموریان را از سمرقند به هرات منتقل نمود.

از آثار و بناهای خیریه که توسط گوهرشاد بیگم خاتون بنا شد، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات در افغانستان و همچنان مسجد جامع مشهد در خراسان (ایران کنونی) است. کاشی کاری مساجد گوهر شاد بیگم در شهر هرات و مشهد از هنر معماری قرن نهم هجری به شمار می رود. از ملکه گوهرشاد بیگم اکنون یادگارهای بسیاری باقیمانده و مزار وی در شهر هرات افغانستان واقع است.

ساختن مسجد گوهرشاد بیگم در مشهد که در سال ۱۴۱۸ میلادی آغاز شد و بیست و یک سال را دربر گرفت تا تکمیل گردید. ماهرترین معماران، خوشنویسان، تذهیب کاران و نقاشان از سرتاسر قلمرو خراسان عصر شاهرخ در تکمیل ساختمان این مدرسه که یکی از عجایب مشرق زمین بحساب می آمد، مشارکت داشته اند.

گنبد سبز یا گنبد گوهرشاد مقبره ایست که متصل به مدرسه، مسجد و مصلی های خیابان هرات، به دستور ملکه شاهرخ میرزا گوهرشاد بیگم آغا ساخته شده بود و امروز از تمام آن مجتمع شکوهمند ساختمانی که از شاهکارهای صنعت معماری جهان اسلام شمرده می شود، فقط پنج منار و همین گنبد سبز باقی مانده است که پیکر گوهرشاد بیگم، پسرانش بایسنقر میرزا و میرزا محمد جوگی، و نواده اش علالدوله پسر بایسنقر در آن آرامگاه دفن اند.

از نامه و پیغام تو می بارد عشق

آنی تو که از نام تو می بارد عشق

آری ز در و بام تو می بارد عشق

عاشق شود آنکس که به کوی تو گذشت

کلمات مترادف

مصلی = محل نماز، نمازگاه

خردمند = عقلمند

هنرپرور = هنردوست

خرد = عقل

شاهکاری = انجام دادن کار بزرگ

شکوهمند = مجلل

تذهیب = نقش و نگار

دستور = امر

سردار = بزرگ

معمار = بنا، مهندس ساختمانی

بانو = خانم، بیگم

متصل = وصل شده

صنعت = هنر

وسیع = فراخ

خانقاه = عبادتگاه صوفیان

مجمع = محل اجتماع

پیکر = جسد

باوقار = باعزت



تمرین - ۱ به سوالات زیر مطابق درس فوق جواب های صحیح ارائه نمایید.

- ۱ گوهرشاد بیگم دختر کی و مربوط به کدام قبیله بود؟
- ۲ آثار و بناهای خیریه را که توسط گوهرشاد بیگم ساخته شده است نام ببرید؟
- ۳ گوهرشاد بیگم ۴۳ سال بر کدام مناطق حکمرانی کرد؟
- ۴ گوهرشاد بیگم در کدام سال پایتخت تیموریان را از سمرقند به هرات منتقل نمود؟
- ۵ آرامگاه گوهرشاد بیگم در کجای افغانستان موقعیت دارد؟



تمرین - ۲ معنی کلمات ذیل را به زبان دری بنویسید.

پیکر تذهیب مجتمع خردمند شکوهمند



تمرین - ۳ خلاصه درس فوق را در کتابچه خود به زبان سویدنی بنویسید.



تمرین - ۴ معنی کلمات ذیل را در کتابچه تان به زبان سویدنی بنویسید.

۱ سردار	۳ خرد	۵ هنرپرور	۷ بانو
۲ وسیع	۴ صنعت	۶ متصل	۸ خانقاه



تمرین - ۵ ترجمه سویدنی جملات زیر را بنویسید.

۱ گوهرشاد بیگم یک زن نیکوکار، ثروتمند، ادب دوست، هنرپرور، باوقار، خردمند و باسیاست بود.

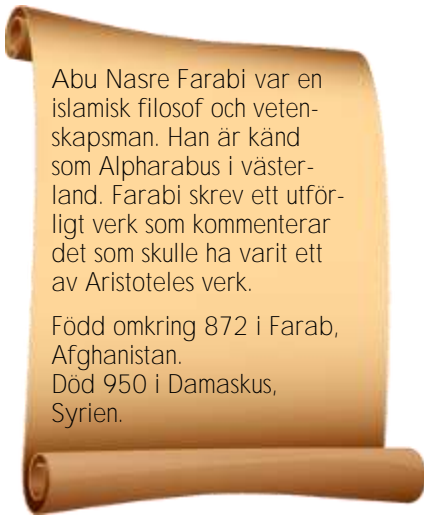
۲ گوهرشاد بیگم متولد ولایت هرات افغانستان بود.

۳ گنبد سبز یا گنبد گوهرشاد مقبره ایست متصل به مدرسه، مسجد و مصلی های خیابان هرات.

تمرینات بیشتر: برای تمرینات بیشتر مربوط به این درس به کتاب تمرین دری برای صنف نهم



مراجعه نمایید.



ابو نصر فارابی

(۲۵۷ – ۳۳۸ هجری قمری)



ابو نصر فارابی یکی از فیلسوفان معروف افغانستان است که در سال ۲۵۷ هجری قمری در منطقه وسیج از ناحیه فاراب سرزمین خراسان (افغانستان کنونی) به دنیا آمده است. اهمیت او بیشتر به علت شرحهایی است که بر آثار ارسطو نگاشته و به سبب همین مشروحات او را معلم ثانی خوانده اند. وی در سال ۳۳۸ هجری قمری در دمشق وفات یافت.

آثار فارابی

مهم ترین کتابهای فارابی عبارتند از ما ینبغی ان تعلم قبل الفلسفه (آنچه شایسته است قبل از فلسفه فرا بگیری)، السیاسه المدنیه (سیاست شهری)، الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس (جمع بین آراء دو حکیم بزرگ، افلاطون الهی و ارسطو)، رساله فی ماهیه العقل (رساله ای درباره ماهیت و چیستی عقل)، تحصیل السعاده (به دست آوردن سعادت).

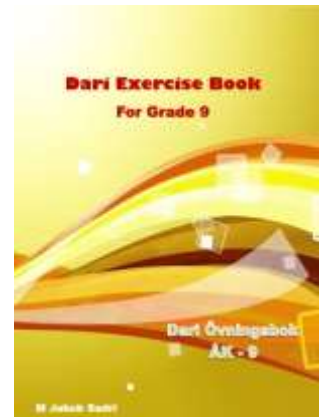
Name: **Dari Book For Grade 9**

Author: **M Jakob Sadri**

First Edition

2019 Stockholm - Sweden

ISBN 978-91-87029-27-1



ISBN 978-91-87029-28-8



Education Center for Afghan children

www.kodakan.se

info@kodakan.se

Copyright © 2019 by KODAKAN (Education Center for Afghan children) and M Jakob Sadri.

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without the prior written permission of the publisher.

Dari Book

For Grade 9

Text & Exercise

Dari Text- & övningsbok

AK - 9

M Jakob Sadri